

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مسئله یازدهم: رجوع به اعلم بعدی در صورت عدم فتوای اعلم

مرحوم امام(ره) در مسئله یازدهم فرموده‌اند: «إذا لم يكن للأعلم فتوى في مسألة من المسائل يجوز الرجوع في تلك المسألة إلى غيره مع رعاية الأعلّم فالأعلّم على الأحوط»، اگر کسی مقلد مجتهد اعلم بود، اما آن مجتهد اعلم در يك مسئله فتوایی نداشت و احتیاط کرده بود، در آن مسئله می‌تواند به دیگری مراجعه کند، البته «مع رعاية الأعلّم فالأعلّم»، یعنی حال در این مسئله که مرجع تقلیدش که اعلم هست فتوا ندارد، به کسی که از مرجعش از جهت علمی پایین‌تر است، اما نسبت به سایر مجتهدین اعلم است رجوع کند.

البته همان گونه که امام(رضوان الله علیه) در آنجا رجوع به اعلم را از باب احتیاط وجوبی قائل شده‌اند، در اینجا هم فرموده‌اند: رعایت «الاعلم فالاعلم» بنا بر احتیاط وجوبی لازم است.

کلام مرحوم سید(ره) در اینجا

این مسئله را مرحوم سید(ره) در عروه در مسئله چهاردهمین طور بیان کرده و فرموده‌اند: «إذا لم يكن للأعلم فتوى في مسألة من المسائل يجوز في تلك المسألة الأخذ من غير الأعلّم وإن أمكن الاحتياط»، ولو قدرت بر احتیاط هم داشته باشد، اما احتیاط لازم نیست و می‌تواند به غیر اعلم رجوع کند.

مثلاً فرض کنید که در مسئله دعای عند رؤیت الهلال، می‌بینیم که اعلم فتوایی ندارد، به غیر اعلم که رجوع می‌کنیم، می‌گوید: دعا عند رؤیت الهلال مستحب است، یا مثلاً در امامت زن برای زن در نماز، اگر اعلم فتوایی نداشت، به غیر اعلم رجوع می‌کنیم، می‌گوید: جایز است، در اینجا ولو اینکه برای مقلد احتیاط امکان دارد، که زن برای زن امامت جماعت نکند، اما با وجود امکان احتیاط، می‌تواند به غیر اعلم رجوع کند.

شبهه این مسئله یازدهم که امام(ره) در اینجا بیان کرده، در مسئله 34 همین بحث اجتهاد و تقلید در تحریر الوسیله هم ذکر شده، کما اینکه مرحوم سید(ره) هم که در مسئله چهاردهم این مسئله را آورده‌اند، در مسئله 63 کتاب عروه در بحث اجتهاد و تقلید هم باز همین مسئله را آورده‌اند.

مرحوم سید(ره) در مسئله 63 فرموده‌اند: «في احتیاطات الأعلّم إذا لم يكن له فتوى يتخير المقلد بين العمل بها و بين الرجوع إلى غيره الأعلّم فالأعلّم» در احتیاطات اعلم، اگر اعلم فتوایی نداشت باشد، مقلد مخیر است که احتیاط کند و یا به غیر او رجوع کند،

که «الاعلم فالاعلم» باشد.

ایشان در این مسئله 14 این قید را ندارد که اگر اعلم در مسئله‌ای احتیاط کرد، مقلد در آن مسئله می‌تواند به غیر اعلم رجوع کند، که باید «الاعلم فالاعلم» باشد، اما در مسئله 63 این قید را آورده، که معلوم می‌شود که مرحوم سید(ره) هم به مسئله «الاعلم فالاعلم» نظر دارد.

البته سید(ره) هم مثل امام(ره) رجوع به اعلم را بنا بر احتیاط وجوبی می‌داند، که تبعاً در اینجا هم «الاعلم فالاعلم» باید بنا بر احتیاط وجوبی باشد.

علت عدم وجوب عمل به احتیاط

در اینجا چند بحث وجود دارد، تا این مسئله کاملاً منقح شود؛ يك بحث این است که در مواردی که اعلم فتوا ندارد، به چه دلیل می‌توانیم به غیر اعلم رجوع کنیم؟ و چرا در این گونه موارد احتیاط لازم نباشد؟

به عبارت دیگر کسی ممکن است که بگوید: مگر اصل رجوع به اعلم را از باب احتیاط و دوران بین تعیین و تخییر قرار ندادید، یعنی روی ملاک احتیاط، لذا امام(ره) و عده دیگری که رجوع به اعلم را بنا بر احتیاط می‌دانند، روی همین مسئله دوران امر بین تعیین و تخییر می‌دانند، در اینجا هم وقتی که اعلم فتوا نداشت، باز دوران بین تعیین و تخییر است، که یا باید به احتیاط عمل کنیم و یا به غیر اعلم رجوع کنیم، که عمل به احتیاط یقیناً برای ما برائت ذمه حاصل می‌کند، اما رجوع به غیر اعلم برای ما یقین به برائت ذمه ایجاد نمی‌کند.

بنابراین این سوال در اینجا مطرح است که چرا در اینجا که اعلم فتوا ندارد، احتیاط واجب نیست؟ جواب این سوال همان جوابی است که در اول بحث اجتهاد و تقلید مفصل بحث کردیم، که در دوران بین اجتهاد، احتیاط و تقلید گفتیم: اصلاً دلیلی بر تعین احتیاط نداریم و عقل مکلف را مخیر بین احتیاط، اجتهاد و تقلید می‌داند و هیچ کدام مقدم بر دیگری نیست.

تعلیل مرحوم حکیم(ره) بر عدم وجوب احتیاط

البته در اینجا مرحوم آقای حکیم(ره) در کتاب مستمسک به اینکه مرحوم سید(ره) در جایی که اعلم فتوا ندارد و احتیاط کرده، فرموده: باید یا به احتیاط خود اعلم عمل کند و یا به غیر رجوع کند، اشاره‌ای کرده‌اند، که بحثی است که ما هم در آنجا مفصل ذکر کردیم و آن هم این است که اصلاً گفته‌اند: مسئله مشروعیت احتیاط در جایی است که امکان امتثال تفصیلی نباشد.

احتیاط يك امتثال اجمالی است، وقتی عملی را به صورت احتیاطی انجام می‌دهید، مثلاً در روز جمعه هم نماز جمعه را می‌خوانید هم نماز ظهر را، اما نمی‌دانید که با کدام يك از اینها امتثال محقق می‌شود، اجمالاً می‌گویید که با یکی از این دو امتثال محقق شده است.

پس امتثال در احتیاط، امتثال اجمالی است، لذا اگر در جایی مکلف، امرش دائر بود بین امتثال اجمالی و امتثال تفصیلی، بعضی گفته‌اند امتثال تفصیلی تعین دارد، که در اینجا هم اگر کسی به غیر اعلم رجوع کند و بر طبق فتوایش عمل کند، امتثال تفصیلی محقق می‌شود.

بنابراین این هم مبنایی می‌شود، یعنی اگر کسی در اینجا این دو نکته را پذیرفت؛ يك نکته این بود که قبلاً اثبات کردیم که تخیر بین این اطراف ثلاثه، تخیر عقلي است و عقل فرقي بین احتیاط، اجتهاد و تقلید نمی‌گذارد، که در آنجا بحث کردیم که کسی که می‌داند اگر درس بخواند مجتهد می‌شود، اما بگوید: نمی‌خواهم درس بخوانم و می‌خواهم تقلید کنم، مانعی ندارد، بین احتیاط، اجتهاد و تقلید از نظر اجزاء و امثال فرقي نمی‌کند و هیچ کدام مقدم بر دیگری از این جهت نیستند.

نکته دوم هم این است که اگر کسی بخواهد به غیر اعلم رجوع نکند و احتیاط کند، این روی این میناست که در فرض امکان امتثال تفصیلی، امتثال اجمالی را هم کافی بدانیم، اما اگر امتثال اجمالی را کافی ندانستیم، در اینجا حتماً رجوع به غیر اعلم تعیین پیدا می‌کند.

علت جواز رجوع به غیر اعلم

مطلب دوم که مطلب مهمی هم هست این است که چرا در اینجا رجوع به غیر جایز است و دلیلش چیست؟ دلیلش این است که موضوع تعیین لزوم تقلید از اعلم در جایی است که اعلم فتوا داشته باشد و فتوایش هم با فتوای غیر اعلم مخالف باشد، اصلاً وقتی که می‌گوییم: «یجب تقلید الاعلم» یا می‌گوییم: احتیاط بر تقلید از اعلم است، موضوعش جایی است که اعلم دارای رای باشد و این رای هم با رای غیر اعلم مخالف است، اما فرض ما در اینجا بر این است که اعلم رای ندارد، لذا وجود اعلم کالعدم است و باید سراغ غیر اعلم برویم.

رجوع به غیر در مطلق احتیاطات

پس هم عدم وجوب احتیاط را و هم جواز رجوع به غیر را اثبات کردیم، حال نکته مهم و مورد ابتلاء این است که آیا در تمام احتیاطات اعلم، می‌شود به غیر اعلم رجوع کرد؟

از اطلاق عبارت مرحوم سید و امام (قدس سرهما) استفاده می‌شود که در تمام احتیاطاتی که اعلم کرده، می‌شود به غیر اعلم رجوع کرد، همچنین به مشهور فقهاء هم چنین چیزی نسبت داده شده، که قائل‌اند در احتیاطات مطلقاً می‌شود به غیر مراجعه کرد.

تفصیل در مسئله بر اساس منشأ احتیاطات

اما در مقابل این قول بعضی گفته‌اند که باید ببینیم که منشأ احتیاط اعلم چیست؟ گاهی منشأ احتیاطش این است که مجال برای استنباط پیدا نکرده، مثلاً شخصی را می‌دانیم که اعلم است، اما اگر از او سوال کنیم که به نظر شما نماز جمعه واجب است یا نه؟ می‌گوید من هنوز وقت پیدا نکردم در این مسئله استنباط کنم.

گاهی استنباط را شروع کرده، اما هنوز تکمیل نکرده و به نتیجه نرسیده است. گاهی هم به نتیجه رسیده، اما تمام ادله اطراف مسئله را مخدوش می‌داند.

حال آیا اینکه می‌گوییم: در احتیاطات اعلم، می‌شود به غیر اعلم رجوع کرد، اینکه می‌گوییم: در احتیاطات وجوبی می‌توانید به غیر اعلم رجوع کنید، در تمام این سه صورت است و یا اینکه بین اینها فرق وجود دارد؟

کلام محقق خوانساري(ره) در اینجا

بعضي بزرگان مثل مرحوم محقق خوانساري(رضوان الله عليه) فرموده‌اند: در همه این صور نمي‌توانيم بگويم که رجوع به غیر اعلم جایز است، مرحوم آقاي خوئي(قدس سره) در کتاب تنقيح هم همین نظريه را داشته فرموده‌اند: اگر اعلم در مسئله‌اي مجال براي استنباط نداشته یا استنباطش هنوز تکميل نشده، در اینجا مي‌شود به غیر اعلم رجوع کرد.

اما اگر در مسئله‌اي که تکميل شده، مي‌گويد: تمام ادله اطراف مسئله را دیدم و نمي‌توانم بگويم که مثلاً در روز جمعه، نماز جمعه واجب تعييني هست یا نه؟ لذا احتياط مي‌کنم، گفته‌اند: در اینگونه از احتیاطات به غیر اعلم نمي‌شود رجوع کرد.

خوب آن وقت مشکل این است که اگر سوال کنیم که احتیاطاتي که اعلم دارد، مثلاً در فتاوايش صد احتياط دارد، اکثر این احتیاطات از قسم اول است یا دوم؟ که البته اکثرش از قسم دوم است، يعني غالباً همه اطراف مسئله را بحث و تحقيق کرده، نه این ادله را کافي مي‌داند و نه آن ادله را، لذا احتياط مي‌کند، که اگر از صد احتياط، گفتيم: 95 تاييد اين طور است، ديگر از احتیاطات این اعلم، نمي‌شود به غیر اعلم رجوع کرد.

مرحوم محقق خوانساري(ره) در حاشيه عروه فرموده‌اند: «إذا كان عدم إفتاء الأعلم من جهة عدم المراجعة بمدرک المسألة»، این «إذا كان» يعني «هذا اذا كان»، اینکه مي‌شود به غیر اعلم رجوع کرد، در صورتي که عدم افتاء اعلم از جهت عدم مراجعه به مدرک مسئله باشد، «و أمّا إذا كان عدم الإفتاء من جهة الخدشة و الإشكال في المدرک و عدم تمامية المدرک عنده في المسألة فلا وجه للرجوع إلى غير الأعلم»، اما اگر از جهت خدشه و اشکال و عدم تماميت مدرک مسئله نزد او باشد، وجهي براي رجوع به غیر اعلم نيست، «لأنّ مدرک فتواه في المسألة مخدوش في نظر الأعلم، فالمتعيّن حينئذٍ الاحتياط»، چون مدرک فتواي غير اعلم، در نظر اعلم مخدوش است و لذا در این فرض فرموده‌اند: متعين عبارت از احتياط است.

کلام مرحوم خوئي(ره) در اینجا

مرحوم آقاي خوئي(ره) در تنقيح فرموده‌اند: اینکه مي‌گويم: تقليد از اعلم واجب است و موضوعش هم جايي است که براي اعلم راي و فتوايي باشد، این فتوا اعم از حکم واقعي و ظاهري است، يعني گاهي اوقات، که غالب اوقات هم هست، اعلم فتوا به حکم واقعي داده مي‌گويد: استنباط کردم که مثلاً نماز جمعه واقعاً واجب تخيري است، اما گاهي اوقات هم اعلم فتواي به حکم ظاهري مي‌دهد، يعني مي‌گويد: در اینجا بايد احتياط شود، که در اینجا هم مي‌گويم: اعلم راي دارد.

این که مي‌گويم: «يجب تقليد الاعلم» تنها در جايي نيست که اعلم نسبت به حکم واقعي راي داشته باشد، بلکه اگر نسبت به حکم ظاهري هم راي داشت، يعني اگر فتوا به وجوب احتياط داد، در اینجا هم نمي‌شود از اعلم به غير اعلم رجوع کرد.

بله در جايي که فتواي به وجوب احتياط نداده، مثل شبهات قبل از فحص، که احتياط مي‌کند و این احتياط هم مستند به عدم علم به حکم واقعي هست، در اینجا مي‌شود به غير اعلم رجوع کرد.

نتيجه فرمايش این دو بزرگوار این است که اگر اعلم مستند و مدرک غير اعلم را تخطئه نکرده باشد، مي‌شود به او رجوع کرد، اما اگر اعلم مستند غير اعلم را تخطئه کند، ديگر نمي‌شود به او رجوع کرد و در غالب احتیاطات هم، اعلم مستند فتواي غير اعلم را تخطئه کرده، لذا ديگر در این احتیاطات نمي‌شود به غير اعلم رجوع کرد.

گفتيم که از عبارت مرحوم امام و مرحوم سيد(قدس سرهما) استفاده مي‌شود که اينها هم، در مطلق احتیاطات وجوبيه قائل به

جواز رجوع هستند، والد بزرگوار ما (دام ظلّه) در شرحشان بر تحریر الوسيله این نظریه مرحوم آقای خوئی و مرحوم آقای خوانساری (قدس سرهما) را نقل کرده و مورد اشکال قرار دادند، که اشکال ایشان را ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم.

شما هم روی مسئله دقت کنید، چون عرض کردیم که برای خودتان هم مورد ابتلاست، عمده دقتی هم که باید بفرمایید این است که در بحث تقلید، وقتی می‌گوییم: تقلید اعلم واجب است، آیا این تقلید فقط در خصوص فتوا است یا دایره‌اش توسعه دارد و مدارك فتوا را هم شامل می‌شود؟ به طوری که اگر اعلم گفت: فلان مدرک باطل است، مقلد هم باید بگوید: باطل است، اما اگر گفتیم: دایره تقلید ربطی به مدارك ندارد، عقل که می‌گوید: تقلید اعلم لازم است، یعنی در آن نتیجه‌ای که اعلم به آن رسیده و دیگر به مدارکش کاری نداریم.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين